



## در آستانه یک انقلاب نوین

جامعه ایران در آستانه یک انقلاب نوین قرار گرفته است. ستمدگی که سالها اسارت و بی حقوقی را در چنگال ستمگران حاکم بر ایران تحمل کردند، به پا خاسته‌اند تا این بار با کولمباری از تجارب انقلاب شکست‌خورده سال ۵۷ نظم ستمگر را از بیخ و بن براندازند. اما نه فقط ضدانقلاب حاکم با تمام نیروی سرکوبش به مقابله با توده‌های کارگر و زحمتکشی که علم طغیان برافراشته‌اند برخاسته، بلکه اپوزیسیون‌های رنگارنگ بورژوائی نیز که از حامیان نظم اقتصادی-اجتماعی سرمایه‌داری حاکم‌اند و دشمن آشتی‌ناپذیر انقلاب، با یاهوسرائی پیرامون گذار مسالمت‌آمیز، از هم‌اکنون در مقابل انقلاب قرار گرفته‌اند. آن‌ها ادعا می‌کنند که انقلاب یک فاجعه است و می‌کوشند شکست انقلاب سال ۵۷ و فجایعی را که ضدانقلاب حاکم به بار آورده است، به‌عنوان انقلاب جا بزنند. اما هیچ‌یک از این یاهوسرائی‌ها قادر نخواهد بود مانع از وقوع انقلابی گردد که نیاز عینی و میرم جامعه ایران است. چراکه انقلاب یک ضرورت جبری برای تحول جامعه به‌پیش و دگرگونی آن برای حل تضادهایی است که نیروی محرکه انقلاب‌اند. انقلاب سال ۵۷ از نیاز میرم عینی جامعه ایران به دگرگونی برای حل تضادهای سر به فلک کشیده و برانداختن موانع پیشرفت رخ داد. مستننا از این‌که کسی دوست داشته باشد یا نه، این واقعیتی غیرقابل‌انکار است که میلیون‌ها تن از توده‌های مردم ایران زیر فشار تضادهای اجتماعی برای دگرگونی نظم موجود و تحقق مطالبات انقلابی خود به پا خاستند. این انقلابی بود که ابتکار عمل آن در آغاز در دست توده‌های کارگر و زحمتکش قرار داشت. این توده‌های زحمتکش مردم بودند که انقلاب را برپا کردند و در مقابل قدرت رسمی حاکم، قدرت انقلابی توده‌ای را قراردادند. آن‌ها بی‌توجه به تمام قوانین و مقررات رژیم سلطنتی، اولین کاری که کردند،

درفصحه ۲

بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت)  
به مناسبت ۱۹ بهمن سالروز نبرد حماسی سیاهکل

## گرامی باد نبرد حماسی سیاهکل یگانه پاسخ اصولی

به نیازهای جنبش کمونیستی در شرایط مشخص ۳

## دل قوی دار، سحر نزدیک است

این شش ماه با سرعتی بیش از گذشته (حتا نسبت به دوران حسن روحانی) طبقه حاکم دسترنج ناچیز کارگران و زحمتکشان را به غارت بُرد و تمامی سیاست‌ها و برنامه‌های اعلام شده رژیم از جمله بودجه ۱۴۰۱، نشان‌گر نه فقط تداوم سیاست‌های تکنونی بلکه حتا تشدید آن علیه کارگران و زحمتکشان است.

درفصحه ۱۰

کارگران و زحمتکشان ایران در میانه‌ی یکی از سخت‌ترین زمستان‌های تاریخ روزگار می‌گذرانند. سخت نه از بابت سرما و یخبندان که از بابت سختی زندگی، سختی روزگاری که حاکمان ظالم و ستمگر به آن‌ها تحمیل کرده‌اند. شش ماه از دوران ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی و وعده‌های وی برای رونق یافتن سفره‌های کارگران و زحمتکشان گذشت. اما در

## بی مسئولیتی نسبت به جان مردم، پیک ششم را به ارمغان آورد

دست کم از اواخر آذر ماه خبرهایی مبنی بر شناسایی ویروس جهش یافته اومیکرون در بعضی از مناطق مرزی کشور انتشار یافته بود. از همان آغاز شناسایی ویروس پیشرفته اومیکرون، سازمان جهانی بهداشت نسبت به سرعت انتقال این سویه جدید هشدار داد و مدام یادآور شد که تنها راه پیشگیری از ابتلای

درفصحه ۵

از دو ماه پیش که سویه جدید "اومیکرون" در افریقای جنوبی و پس از آن در بعضی از کشورهای اروپایی شناسایی شد، مسئولان حکومتی و بهداشتی ایران با خوش خیالی زایدالوصفی از عدم ورود سویه جدید کرونا به ایران حرف می‌زدند و از این بابت به خود می‌بالیدند و ابراز خرسندی می‌کردند. این اظهار خرسندی و شادمانی آنان در شرایطی بود که

پیام هسته امیر پرویز پویان  
به مناسبت پنجاه و یکمین سال یاد نبرد حماسی سیاهکل  
در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹

گرامی باد پنجاه و یکمین سال یاد نبرد حماسی سیاهکل ۸

پیام فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور  
به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل

آفتاب کاران سیاهکل در تاریخ ماندگارند ۷

## بازداشت و تهدید

معلمان را محکوم و از

خواست‌هایشان

حمایت می‌کنیم ۷

## در آستانه یک انقلاب نوین

آزادی را که همواره یکی از خواسته‌های مردم ایران بوده است، با نبرد در خیابان‌ها به دست آوردند، میتینگ‌های خود را در خیابان‌ها برپا داشتند، مطبوعات را از چنبره سانسور رها ساختند، درب زندان‌ها را گشودند و زندانیان سیاسی را از اسارت نجات دادند. کارگران با اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی سراسری، منابع تغذیه مالی رژیم را مسدود کردند، از نظر سیاسی ضربه مهلکی به آن وارد آوردند و دست به ابتکارات بزرگ و تاریخی زدند. کمیته‌های هماهنگی اعتصاب و کمیته‌های محلات را برای رتق و فتق امور کشور سازمان دادند، سرمایه‌داران را در کارخانه‌ها به محاکمه کشیدند، با قیام مسلحانه خود تلاش مشترک بورژوازی داخلی و خارجی را برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت از ضدانقلاب سلطنتی به ضدانقلاب اسلامی و اعلام پایان انقلاب، برهم زدند، رژیم سلطنتی را به گورستان تاریخ فرستادند، مسلح شدند و به‌رغم این‌که قدرت سیاسی با ساخت و پاخت بورژوازی داخلی و قدرت‌های امپریالیست، در دست ضدانقلاب جدید تحت رهبری خمینی شاید قرار گرفته بود، به تعرض برای تحقق مطالبات خود ادامه دادند. شوراها را برپا داشتند و تلاش نمودند دست آوردهای انقلابی خود را حفظ کنند و توسعه دهند. این‌ها همه ثمره انقلابی بود که آغاز شده بود. دقیقاً در نتیجه قیام مسلحانه و از هم‌پاشیدگی ارگان‌های سرکوب نظامی و پلیسی و مقاومت و روحیه انقلابی کارگران و زحمتکشان بود که دو سال کشمکش میان انقلاب و ضدانقلاب در جریان بود، تا این‌که ضدانقلاب اسلامی، نیروهای مسلح خود را تجدید سازمان‌دهی کرد، گام‌به‌گام دست‌آوردهای انقلابی مردم را از آن‌ها باز پس گرفت و آخرین پورش را برای باز پس گرفتن آنچه که هنوز از دست‌آوردهای انقلاب باقی‌مانده بود، در سال ۶۰ سازمان داد و انقلاب با شکست قطعی مواجه شد.

بنابراین برخلاف یامسراهای دشمنان رنگارنگ انقلاب، آنچه در طول چهار دهه‌ی فاجعه‌بار بر مردم ایران گذشت، نتیجه شکست انقلاب بود و نه انقلاب. اما این‌که چرا در مرحله‌ای از این انقلاب، توده‌های کارگر و زحمتکش اجازه دادند دارو دسته مرتجع و ضدانقلابی تحت رهبری خمینی قدرت سیاسی را در دست بگیرد، دلیل آن را باید در سلطه سال‌های متمادی دیکتاتوری عریان و سرکوب رژیم سلطنتی جستجو کرد که توده‌های مردم ایران را در بی‌سازمانی و ناآگاهی نگهداشته بود. بنابراین، اعتماد بخشی از توده‌های مردم ایران به دارو دسته ضدانقلابی خمینی از روی ناآگاهی و بی‌سازمانی و اسارت در چنگال خرافات دینی بود. اما سلطه ارتجاع و شکست انقلاب که با

سرکوب و کشتار وحشیانه سال ۶۰ و ادامه آن، خسارات بزرگی طی چهار دهه برای مردم ایران به بار آورد، به آن معنا نبود که تاریخ متوقف خواهد شد و دیگر انقلابی رخ نخواهد داد. ضدانقلاب حاکم وظیفه‌ای برای حل تضادها و بحران‌های جامعه نداشت. تنها رسالت این ضدانقلاب، سرکوب انقلاب و تشدید تضادها و بحران‌هایی بود که به انقلاب انجامیده بود. بنابراین، تضادهای حل‌نا شده و مطالبات تحقق‌نیافته مردم ضرورتاً می‌آید به انقلابی جدید بیانجامد که طلیعه‌های آن از هم‌اکنون دمیده است. بحران‌های بزرگ سراسر جامعه را فراگرفته است. از دی‌ماه سال ۹۶ بار دیگر یک دوران انقلابی فرارسیده است. از آن‌پس مبارزات کارگران و زحمتکشان که پیوسته اعتلا یافته، لحظه‌ای طبقه حاکم مرتجع و ضدانقلابی را آرام نگذاشته است. قیام سراسری آبان ماه سال ۹۸ برای همگان آشکار ساخت که زمینه‌های عینی برپائی انقلاب به درجه‌ای رشد یافته که جامعه وارد یک موقعیت انقلابی شده است. توده‌های مردم در جریان این قیام آشکارا نشان دادند که دیگر نمی‌خواهند و نمی‌توانند به شیوه گذشته زندگی کنند و نظم ستمگر حاکم را تحمل کنند. آماده‌اند جان خود را در راه سرنوونی آن، نیز فدا کنند. طبقه حاکم نیز که تمام سیاست‌هایش به شکست انجامیده و در میان توده‌های میلیونی مردم رسوا شده است، نشان داد که دیگر نمی‌تواند به شیوه گذشته بر مردم حکومت کند. تحریم انتخابات قلبی رژیم نیز آشکار ساخت که طبقه حاکم در میان توده‌های وسیع مردم به‌کلی بی‌اعتبار است و اکنون تمام تکیه‌گاه آن‌یک مشت نیروی مسلح مزدور و گروهی جیره‌خوار است. در این فاصله، مبارزات کارگران و زحمتکشان ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته است. در تاریخ یک قرن اخیر جامعه ایران، هیچ‌گاه مبارزات کارگران و زحمتکشان مردم ایران در این ابعاد وسعت نداشته است. این واقعیتی چنان آشکار است که اکنون خود رژیم و دستگاه‌های پلیسی-نظامی و امنیتی نیز به آن اعتراف می‌کنند و اذعان دارند که مبارزات کارگران و زحمتکشان ابعاد بی‌سابقه‌ای به خود گرفته و جامعه در حال انفجار است. افشای اخیر یکی از اسناد محرمانه رژیم توسط یک گروه سایبری به‌وضوح این واقعیت را نشان داد.

بر طبق این اسناد که مربوط به جلسه «کارگروه پیشگیری از بحران‌های امنیتی معیشت پایه» ۳۰ آبان ۱۴۰۰ قرارگاه ثارالله است و " در آن جانشین فرمانده کل سپاه در قرارگاه و نمایندگان دادستانی تهران، سازمان اطلاعات تهران، پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا، اطلاعات اقتصادی بسیج، سپاه حضرت سیدالشهدا، سپاه حضرت رسول، بسیج اصناف کشور و سازمان

اطلاعات سپاه حضور داشته‌اند،" معاونت اجتماعی سازمان اطلاعات سپاه، گفته است: «پیمایشی در جامعه صورت گرفته که نشان می‌دهد وضعیت جامعه در حالت انفجار زیرپوستی قرار دارد». این مزدور سازمان اطلاعات سپاه گفته است «نارضایتی‌های اجتماعی در طول یک سال گذشته حدود ۳۰۰ درصد افزایش یافته» است.

در این جلسه، یکی از مقامات پلیس اطلاعات و امنیت عمومی ناجا نیز گفته است که «تجمعات در سال ۱۴۰۰ نسبت به سال ۱۳۹۹، ۴۸ درصد افزایش یافته و تعداد تجمع‌کنندگان نیز ۹۸ درصد رشد داشته است».

وی افزوده است: «تجمعات اقتصاد پایه ۵۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. تجمع در محیط‌های کارگری ۱۳۶ درصد افزایش داشته است». بنابراین حتی ارگان‌ها و نهادهای سرکوب رژیم به‌رغم تمام سرکوب و کشتار مردم به ناتوانی خود در کنترل و مهار جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان اعتراف می‌کنند. این اعتراف به وضعیت انفجاری جامعه، بیان چیز دیگری جز این واقعیت نیست که جامعه در آستانه یک انقلاب قرار گرفته است و در برابر رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی راهی برای نجات نمانده است.

این بار اما توده‌های زحمتکش با تجربیاتی بزرگ قدم به عرصه مبارزه‌ای نهاده‌اند که چشم‌انداز یک انقلاب جدید را گشوده است. آن‌ها از تجربیات انقلاب ۵۷ آموختند که نباید به وعده و وعید اعتماد کرد، باید به خودشان و ابتکار عمل خودشان باور و اعتماد داشته باشند. بی‌دلیل نیست که جنبش‌های بزرگ اجتماعی کنونی به‌ویژه جنبش طبقاتی کارگران کمترین توجهی به ادعاها و وعده‌های توخالی جناح‌های رنگارنگ بورژوازی قانونی و غیرقانونی نشان نمی‌دهند. آن‌ها از شکست انقلاب ۵۷ آموختند که مسئله اساسی هر انقلاب، کسب قدرت سیاسی است. این‌که قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار می‌گیرد، سرنوشت انقلاب را تعیین می‌کند. آن‌ها به عینه دیدند که به‌رغم تمام جان‌فشانی و ابتکارات بزرگ کارگران و زحمتکشان، انقلاب ۵۷ از آن‌رو به شکست انجامید که قدرت سیاسی مجدداً در دست ضدانقلاب، اما تحت نامی دیگر قرار گرفت. آن‌ها آموخته‌اند که انقلاب نوین هرگز نمی‌تواند به پیروزی منتهی گردد، مگر آن‌که طبقه کارگر که پیگیرترین نیروی انقلاب است، قدرت سیاسی را در اتحاد با زحمتکشان و تمام ستمدیدگان از طریق یک قیام مسلحانه در دست بگیرد و انقلاب اجتماعی را به سرانجام پیروزمندان‌اش برساند.

نخستین وظیفه این انقلاب تحقق فوری‌ترین مطالباتی است که سال‌ها توده‌های وسیع مردم ایران برای آن‌ها مبارزه کرده‌اند. تنها منافع طبقه کارگر ایجاب می‌کند که به‌فوریت این مطالبات عموم توده‌های زحمتکش و ستمدیده را عملی



بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت ۱۹ بهمن سالروز نبرد حماسی سیاهکل

## گرامی باد نبرد حماسی سیاهکل یگانه پاسخ اصولی به نیازهای جنبش کمونیستی در شرایط مشخص

بیش از نیم‌قرن از نبرد حماسی رفقای ما در سیاهکل گذشت. سیاهکل اما همچنان بر تارک جنبش کمونیستی ایران می‌درخشد و کسی را یاری نفی و انکار تأثیرات و شراره‌های شورانگیز آگاهی‌دهنده و گرمابخش آن نیست. ۵۱ سال پیش، گروهی از آگاه‌ترین، پیشروترین و جسورترین کمونیست‌ها، در ۱۹ بهمن ۴۹ با حمله مسلحانه به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل و خلع سلاح آن، پرچم سرخ مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم را به اهتزاز درآوردند. خورشیدی در آسمان سرد و سیاه و ظلمانی درخشیدن آغاز کرد، گرمابخش دل عاشقان شد و پرتو آن تا دوردست‌ها را روشن کرد. غرض تفنگ‌ها در نبرد آشتی‌ناپذیر علیه رژیم شاه و ستم و استثمار در جنگل‌های سیاهکل چنان پرتنین بود که در تمام پهنه کشور انعکاس یافت و شنیده شد. جنبش مسلحانه که بر زمینه شرایط عینی و اوضاع سیاسی جامعه در دهه چهل و تحلیل و ارزیابی دقیق از این شرایط شکل گرفت، یگانه پاسخ درست و اصولی به نیازهای جنبش کمونیستی و کارگری در آن دوره بود و دوران جدیدی را در جنبش کمونیستی ایران رقم زد.

دهه چهل یکی از سیاه‌ترین دوره‌های سلطه رژیم دیکتاتوری شاهنشاهی و اختناق بود. خفقان و سرکوبی که پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۳۲ بر جامعه حاکم شده بود، در ادامه خود با ایجاد ساواک شاه و فعالیت گسترده آن باز هم شدیدتر شد. نوعی رعب و وحشت بر جامعه حکم‌فرما بود. هرگونه فعالیت سیاسی انقلابی به شدت سرکوب می‌شد. مراکز کارگری به شدت مراقبت می‌شد و تحت کنترل شدید پلیسی قرار داشت. جامعه در رکود سیاسی کامل به سر می‌برد. اندک گروه‌ها و محافل سیاسی که تحلیل درستی از وضعیت جامعه نداشتند، در نخستین تحرکات خویش شناسایی و منهدم می‌شدند. تحلیل‌ها و ارزیابی غلط از شرایط و ساخت و اوضاع جامعه، برخی از این گروه‌ها و محافل را به مدافعان دواتشه رفورم ارضی شاهانه و خدمت‌گزار دیکتاتوری و استبداد سلطنتی مبدل ساخت. نوعی یأس و ناامیدی و سرخوردگی بر فضای روشنفکری حاکم بود. برخی از این محافل، بی‌عملی خویش و وضع موجود را "ثورریزه" یا در واقع توجیه می‌کردند.

افزون بر این، جنبش کمونیستی- کارگری هنوز در زیر آوار شکست و بن‌بست بعد از کودتای ۲۸ مرداد قرار داشت. تسلیم طلبی حزب توده و خیانت رهبران آن نتایج مخربی به بار آورده بود. سیاست‌ها و عملکرد این حزب اپورتونیست خیانت‌پیشه که به ناروا به چپ و سوسیالیسم نسبت داده می‌شد، لطمات جدی به اعتبار چپ وارد ساخت. اعتماد کارگران نسبت به چپ و سوسیالیسم را خدشه‌دار و گرایش به کمونیسم را به شدت تضعیف کرده بود. فعالیت کمونیستی و کارگری در میان کارگران نه‌فقط از این بابت که خفقان و دیکتاتوری بی‌مانندی وجود داشت و محیط‌های کارگری تحت کنترل شدید پلیسی بود کار ساده‌ای نبود، بلکه سابقه‌ای که از عملکرد حزب توده در ذهنیت کارگران نقش بسته و بی‌اعتمادی که نسبت به چپ و کمونیسم به وجود آمده بود نیز کار را مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌ساخت. برخی افراد و محافل انقلابی نیز در تلاش و جستجوی راه و دنبال این بودند که فعالیت مؤثری انجام دهند. اما در اینجا نیز اختلاف و تشتت نظری حاکم بود و راه به‌جایی نمی‌بردند. بن‌بست بود و کسی نمی‌دانست چه باید کرد؟

از بطن چنین شرایطی بود که سیاهکل سر برآورد تا به چه باید کرد و نیازهای زمانه خودپاسخ دهد. پرسش مهمی که در آن سال‌ها در برابر کمونیست‌ها و محافل مارکسیستی قرار داشت این بود که چگونه باید در میان کارگران فعالیت و به امر تشکل آنان کمک کرد؟ آگاهی سیاسی کارگران را چگونه می‌توان ارتقا داد؟ چگونه باید توده‌های کارگر را به عرصه مبارزه سیاسی کشاند؟ چگونه باید حزب طبقه کارگر را ایجاد کرد؟ مشغله اساسی رفقای بنیان‌گذار سازمان ما پیش از سیاهکل، کار و فعالیت در میان کارگران، ارتقاء آگاهی سیاسی کارگران، متشکل ساختن کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر بود. رفقای گروه احمدزاده- پویان که مطالعات عمیقی را در زمینه مسائل نظری و انقلاب‌های جهانی از سر گذرانده و همزمان جامعه را از نزدیک مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دادند قبل از سیاهکل برای تحقق این اهداف پا به میدان عمل گذاشتند. زمانی که رفیق احمدزاده و گروه وی به چه باید کرد می‌اندیشید و دنبال راه بود نوشت "ما پذیرفتیم که هدف ما و سایر گروه‌های کمونیست باید ایجاد حزب مارکسیست لنینیست باشد". پرسش اما این بود که برای ایجاد چنین حزبی از کجا باید آغاز کرد؟ آنگاه دو وظیفه در برابر گروه قرار گرفت، تربیت کادرهای آینده حزب و کار در میان کارگران برای فراهم‌سازی زمینه‌های ایجاد حزب. "ما باید با کار در میان توده‌ها و به‌ویژه پرولتاریا، آن‌ها را آماده پذیرش چنین حزبی کنیم".

رفیق پویان نیز در جزوه کوتاه اما کم‌نظیر خود بارها بر ضرورت پیوند با کارگران و ایجاد حزب طبقه کارگر تأکید نموده و در این مورد می‌نویسد "تا با توده‌های خویش بی‌ارتباطیم کشف و سرکوب ما آسان است برای اینکه پایدار بمانیم رشد کنیم و سازمان سیاسی طبقه کارگر را به وجود آوریم باید طلسم ضعف خود را بشکنیم و با توده‌ها رابطه مستقیم و استوار ایجاد کنیم." رفیق پویان در آن جزوه کوتاه اما بسیار پرازش خود بارها از ضرورت سازمان واحد پرولتاریا، سازمان اخص پرولتاریا و حزب طبقه کارگر سخن می‌گوید که برای ایجاد و یا تشکیل آن باید تلاش و مبارزه کرد. در همین رابطه است که رفقا فعالیت‌هایی را در محیط‌های کارگری سازمان می‌دهند. شماری از رفقای اولیه از جمله رفیق اسکندر صادقی نژاد کارگر تراشکار و جلیل انفرادی کارگر جوشکار که هر دو جزء مؤسسين سندیکای کارگران فلزکار مکانیک بودند در میان کارگران حضور فعال داشتند. رفیق حسن نوروزی کارگر لوله‌کشی و تأسیسات راه‌آهن و عضو هسته رفیق احمدزاده بود. این رفقا و رفقای دیگری نظیر آن‌ها برای ارتباط با کارگران و ایجاد زمینه‌های تشکیل حزب طبقه کارگر فعالیت می‌کردند. از نزدیک با شرایط و محیط‌های کارگری ارتباط داشتند و از موانع موجود از جمله ترس و خفقان حاکم بر محیط‌های کارگری، ذهنیت منفی و بی‌اعتمادی کارگران جمع‌بندی داشتند. از شرایط مشخص تحلیل مشخص داشتند. بر پایه همین شناخت از شرایط مشخص و تحلیل از شرایط مشخص، قبل از هر چیز می‌بایستی این معادله را برهم زد و جو رعب و هراس و بن‌بست موجود را درهم شکست. هر گام عملی واقعی در این زمینه مستلزم اتخاذ روش‌ها و اقداماتی بود که راه، بر این مسیر بگشاید. ذهنیت منفی و بی‌اعتمادی کارگران باید تغییر می‌کرد. اعتبار از دست‌رفته

کمونیست‌ها باید بازسازی می‌شد. فعالیت مؤثر در میان کارگران منوط به تغییر این فاکتورها بود. بن‌بست باید در هم می‌شکست.

سیاهکل این بن‌بست و به همراه آن رکود و رخوت سیاسی حاکم بر جامعه تحت دیکتاتوری شاهنشاهی را در هم شکست. سیاهکل راه را به سایر کمونیست‌ها و انقلابیون نشان داد و محافل سرگشته در دالان بی‌انتهای پاسیفیسم و بی‌عملی را به‌کلی ایزوله کرد. سیاهکل جزیره ثبات و آرامش رژیم شاه را برهم زد و در فضای رعب و وحشتی که دستگاه مخوف امنیتی ساواک بر جامعه گسترانده بود تَرَک انداخت. سیاهکل نه‌فقط تأثیرات شگرف و شوق‌انگیزی بر انقلابیون پرشوری که شوق مبارزه در سر داشتند و در جستجوی راه بودند گذاشت، بلکه کل جامعه را تحت تأثیر قرارداد. این تأثیرات چنان عمیق و پردامنه بود که از حصار دانشگاه‌ها به‌سادگی عبور کرد و تا قلب کارخانه‌ها و اندیشه شاعران و نویسندگان و هنرمندان امتداد یافت. سیاهکل و سازمان ما که در سیاهکل نطفه بست و به‌عنوان یک سازمان کمونیست مارکسیست-لنینیست اعلام موجودیت کرد، نقش مؤثری در غلبه بر تشنّت نظری و پراکندگی حاکم بر محافل انقلابی برجای گذاشت. به‌زودی بسیاری از گروه‌ها و محافل کمونیستی و انقلابی دیگر در این راه گام نهاده و به سازمان پیوستند. سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه نشان داد که راه ما کمونیست‌ها از تمام فرصت‌طلبان و توجیه‌گران نظم موجود و تجدیدنظرطلبانی که به مارکسیسم-لنینیسم پشت کرده‌اند جدا است. سازمان ما با استواری و از خودگذشتگی کم‌نظیری علیه نظم موجود و برای آزادی و سوسیالیسم مبارزه کرد و جنگید. سازمان ما سیمایی نوین و کارنامه درخشانی از کمونیست‌های ایران به کارگران و زحمتکشان و عموم توده‌های مردم ارائه داد و لکه تنگی را که حزب توده و رهبران خیانت‌کار آن برجای گذاشته بودند پاک کرد. بی‌اعتمادی کارگران به کمونیست‌ها را از اذهان زدود و اعتبار خدشه‌دار شده سوسیالیسم و کمونیسم را بازگرداند. به‌رغم تلاش مذبح‌خانه رژیم شاه و ساواک آن برای جلوگیری از انتشار اخبار مربوط به مبارزات سازمان اما زمان زیادی نکشید که آوازه چریک فدایی در همه‌جا پیچید. هزاران نفر به صفوف سازمان پیوسته یا به جانب‌داری از آن روی آوردند. به‌رغم وحشی‌گری‌ها و سرکوب بی‌رحمانه رژیم شاه و ساواک آن و کشتار صدها تن از رفقای ما، اما با پیوستن گروه‌ها از انقلابیون کمونیست به صفوف سازمان پرچم مبارزه برای اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و کارگری همچنان در اهتزاز ماند و نفوذ و اعتبار سیاسی سازمان مدام افزایش یافت. دانشگاه‌ها یکسره به تسخیر فدایی درآمد و اکثر قریب به‌اتفاق دانشجویان سیاسی چپ و انقلابی به جانب‌داری از سازمان برخاستند. جنبش دانشجویی مستقیم و بی‌واسطه به جانب‌داری از فدایی برخاست. نفوذ معنوی سازمان در میان کارگران پیوسته فزونی گرفت. آگاترین و پیشروترین کارگران اهداف و آرمان‌های کمونیستی و کارگری خود را در سازمان یافتند و در صفوف آن مبارزه کردند. قیام بهمن ۵۷ و روی‌آوری گسترده کارگران به صفوف سازمان، اعتبار و نفوذ سازمان در میان کارگران و مراکز کارگری را نشان داد.

سیاهکل و آغاز جنبش مسلحانه، بر زمینه شرایط عینی و برخاسته از شرایط سیاسی مشخصی بود که جامعه و ضرورت‌های یک مبارزه جدی و اصولی آن را در دستور کار و مبارزه کمونیست‌ها گذاشت. سیاهکل یگانه پاسخ درست و اصولی به نیازهای مبارزاتی آن دوره بود که از بطن جامعه برخاست، تمام جامعه را تحت تأثیر خود قرارداد و به یک رویداد سیاسی مهم و تاریخی بدل شد. در تاریخ مبارزات توده مردم، حماسه سیاهکل به نقطه عطف مهمی تبدیل گشت، در قلب کارگران و زحمتکشان جا گرفت، ملکه اذهان و ماندگار شد.

تأکید بر نقش بی‌همتای سیاهکل و مبارزات آشتی‌ناپذیر سازمان، به معنای نادیده گرفتن ضعف و کمبودها و اشتباهات نظری یا عملی سازمان نیست. بدیهی است که هر تشکیلات و سازمانی که مبارزه می‌کند اشتباه هم می‌کند. در دوره قبل از قیام، سازمان بارها نظرات و اقدامات عملی خود را به‌نقد کشید. بعد از قیام ۵۷ نیز سازمان فدائیان (اقلیت) که خود را پاسدار سنت‌های انقلابی و کمونیستی سازمان، رفقای سیاهکل و بنیان‌گذار سازمان می‌داند، از موضعی انقلابی و مارکسیستی باهدف پالایش و ارتقاء سازمان، اشکالات و انحرافات نظری و عملی سازمان را به‌نقد کشیده است. پدیدار شدن "اکثریت" در درون سازمان ثمره یک انحراف بود. درست در شرایطی که سازمان به یک جریان قدرتمند با پایگاه بسیار وسیع توده‌ای تبدیل شده بود، اما شوربختانه به دلیل سر برآوردن "اکثریت" از درون سازمان نتوانست به وظایف خود عمل کند. ریشه نظری پیدایش این پدیده به یک انحراف و گرایش عموم خلقی در مواضع گذشته سازمان برمی‌گشت. این گرایش بعد از ضربات هولناکی که ساواک در سال ۵۴ و ۵۵ بر سازمان وارد آورد و برجسته‌ترین اعضا و کادرهای سازمان در رأس آن رهبر برجسته سازمان رفیق حمید اشرف جان باختند، زمینه رشد پیدا کرد. پس از قیام از یکسو مواضع و خط‌مشی گذشته سازمان پاسخگوی شرایط جدید نبود، از سوی دیگر اوضاع سیاسی جدید وظایف و تاکتیک‌های جدیدی را طلب می‌کرد که هنوز وجود نداشت. سازمان از لحاظ نظری بی‌حفاظ شده بود و گرایش عموم خلقی بر بستر این شرایط سریعاً رشد کرد و به یک جریان اپورتونیست-رویزونیست و دنباله‌چیز حزب رسوای توده و ارتجاع حاکم تبدیل شد. جناح انقلابی سازمان، جناح اقلیت که خواهان تدوین فوری برنامه و مجموعه‌ای از تاکتیک‌های منسجم کارگری بود و بر ماهیت طبقاتی بورژوازی و خصلت مذهبی رژیم جمهوری اسلامی تأکید داشت، پس از انشعاب نیز در برابر ارتجاع جمهوری اسلامی محکم و استوار ایستاد و به مبارزه آشتی‌ناپذیر علیه این رژیم ادامه داد. جمهوری اسلامی هزاران تن از رفقای ما را به زندان افکند و نزدیک به ۷۰۰ تن از رفقای ما را به قتل رساند. علی‌رغم این کشتار وحشیانه و ددمنشی رژیم جمهوری اسلامی، سازمان فدائیان (اقلیت) به پیکار آشتی‌ناپذیر خود در راه آرمان‌های سوسیالیستی و کارگری ادامه داده و تا براندازی تمام نظم موجود و استقرار حکومت شورایی و سوسیالیسم به مبارزه ادامه خواهد داد.

در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل، یکبار دیگر یاد حماسه‌سازان سیاهکل، رفقای بنیان‌گذار سازمان و همه رفقای ما را که در دو نظام سلطنتی و جمهوری اسلامی در راه آرمان‌های سرخ سوسیالیستی و کارگری جان فشانده‌اند گرامی می‌داریم.

**گرامی باد ۱۹ بهمن سال گرد نبرد حماسی سیاهکل**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**  
**زنده‌باد آزادی- زنده‌باد سوسیالیسم**  
**سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**بهمن ۱۴۰۰**  
**کار، نان، آزادی- حکومت شورایی**



## بی مسئولیتی نسبت به جان مردم، پیک ششم را به ارمغان آورد

عمومی، انتقال گسترده و کاهش مرگ و میر ناشی از سویه اومیکرون، همانا اجرای کامل هر سه دوز واکسن کرونا است. سازمان جهانی بهداشت، همچنین با تاکید روی معتبر بودن واکسن های تزریقی شده به دفعات اعلام کرد، کشورهایی که تنها دو دوز واکسن را انجام داده اند و در اجرای دوز سوم ناموفق بوده اند، نه تنها کمترین شانسی برای در امان بودن از شیوع گسترده اومیکرون ندارند، بلکه به شدت آسیب پذیر هم هستند.

با این همه و به رغم هشدارهای پی در پی سازمان جهانی بهداشت، مسئولان جمهوری اسلامی و به طور اخص کابینه ابراهیم رئیسی که در ماه های اولیه به قدرت رسیدن به جهت سرعت گرفتن مراحل تزریق دوز اول و دوم واکسن غیر استاندارد "سینوفارم" چینی سرخوش بودند، نسبت به هشدارهای سازمان جهانی بهداشت بی توجه بوده و با بی مسئولیتی و چشم پوشی از اهمیت تزریق دوز سوم کرونا، جامعه و مردم ایران را به حال خود رها کردند. در واقع، هیئت حاکمه ایران در دوره ریاست جمهوری ابراهیم رئیسی نیز همان عملکرد مشابه کابینه حسن روحانی را در پیش گرفت. در این دوره نیز همانند دوره های قبل، دست صدا و سیما در پخش اراجیف آن دسته از روحانیون و افراد غیر متخصصی که مخالف واکسیناسیون بودند، باز گذاشته شد تا این شعبده بازان بی درد با توسل به خرافه های مذهبی و "طلب سنتی" که برآمده از منافع حکومت بود، بی اعتمادی نسبت به واکسیناسیون را در بخش هایی از آحاد جامعه تزریق کنند. برای نمونه، محمد باقر ذوالقدر، از فرماندهان سپاه پاسداران و دبیر فعلی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در روزهایی که اومیکرون کشورهای اروپایی را فرا گرفته بود، با ذوق زدگی اعلام کرد که اومیکرون در حال مقطوع النسل کردن اروپائیان است. نتیجه بی مسئولیتی دولت، خوش خیالی وزارت بهداشت و حضور تبلیغاتی عناصر حکومتی مخالف واکسیناسیون در صدا و سیما، آن شد که اکنون پیک ششم سویه جدید کرونا در یک بازه زمانی بسیار کوتاه سراسر ایران را فرا گرفت. سویه جهش یافته ای که حتی تزریق هر سه دوز واکسن کرونا هم مانع ابتلا و شیوع آن نیست و در بهترین حالت، تزریق سه مرحله از واکسن تنها باعث کاهش مرگ و میر افراد مبتلا به اومیکرون می شود.

نکته غم انگیز و فاجعه بار شیوع سویه اومیکرون در ایران این است که در پی تداوم بی توجهی و بی مسئولیتی جمهوری اسلامی نسبت به جان و سلامت مردم، تا کنون فقط ۷۰ درصد جمعیت ایران از دوز اول و دوم واکسن برخوردار بوده اند و دوز سوم نیز تنها برای ۱۰ درصد جمعیت ۸۵ میلیونی کشور عملی شده است. بیان این واقعیت آماری در مورد میزان

واکسیناسیون در ایران، بدان معناست که در شرایط کنونی که پیک ششم کووید ۱۹ سراسر کشور را فرا گرفته است، توده های مردم ایران در مقابل ویرانگری سویه پیشرفته اومیکرون در وضعیتی کاملا بی دفاع به حال خود رها شده اند. در واقع، هشدارهای سازمان جهانی بهداشت در مورد سرعت انتقال این بیماری می داد، اکنون به عینه در ایران قابل رویت است. گسترش آمار روزانه مبتلایان، سرعت روز افزون انتقال ویروس و سیر فوق العاده تصاعدی آن که از سر بی توجهی مسئولان بهداشتی، به طور روز افزونی شتاب گرفته است، جملگی تاییدی بر هشدارهای سازمان جهانی بهداشت در باره ضرورت تزریق دوز سوم برای جلوگیری از سرعت ابتلا و کاهش مرگ و میر ناشی از اومیکرون است. امری که با غفلت و بی مسئولیتی هیئت حاکمه ایران مواجه شد و اکنون توده های مردم ایران بخصوص کودکان در ابعادی به مراتب فراتر از پیک های قبلی در معرض ابتلا به کرونا و مرگ و میر ناشی از اومیکرون قرار گرفته اند.

نگاهی به عملکرد کابینه ابراهیم رئیسی در مواجهه با ورود سویه اومیکرون به ایران، نشان می دهد که ابراهیم رئیسی نیز دقیقا پا در جای پای حسن روحانی گذاشته و همان روش کتمان و انکاری را در پیش گرفته، که حسن روحانی دو سال پیش به هنگام ورود ویروس کرونا به ایران در پیش گرفته بود.

روحانی و کل هیئت حاکمه در آن زمان به دلیل ملاحظاتی که در پرپایی مراسم دهه فجر و نمایش انتخاباتی مجلس ارتجاع در دوم بهمن ۹۸ داشتند، به مدت دو ماه از اعلام ورود و شیوع ویروس کرونا به ایران خودداری کردند. اکنون نیز، به رغم اینکه از دو ماه پیش همه شواهد از ورود ویروس اومیکرون به داخل مرزهای کشور خبر می داد، کابینه ابراهیم رئیسی و وزارت بهداشت به دلیل اینکه اعلام ورود و شیوع اومیکرون می توانست در برگزاری مراسم ۲۲ بهمن امسال خلل ایجاد کند، تا مدتی عمدا از اعلام ورود و شیوع ویروس پیشرفته کرونا در ایران خودداری کردند. اینبار اما از بد اقبالی ابراهیم رئیسی به دلیل سرعت انتقال و شیوع بی محابای اومیکرون، فرصت کتمان و دروغ بافی دراز مدت از دولت گرفته شد و وزیر بهداشت جمهوری اسلامی پس از گذشت اندک زمانی مجبور به پذیرش شیوع گسترده ویروس اومیکرون و شروع پیک ششم کرونا در ایران شد.

در واقع، هنوز زمان کوتاهی از اعلام رسمی ورود اومیکرون به ایران نگذشته بود که افزایش بیش از حد میزان مبتلایان بویژه در کودکان، سرعت تصاعدی انتقال ویروس و تغییر سریع رنگ بندی شهرهای کشور به نسبت میزان بستری ها، عملا راه هر گونه انکار و دروغ

باقی را از دولت جمهوری اسلامی گرفت و وزارت بهداشت را در اعلام پیک ششم کرونا مجبور به اعتراف کرد. بهرام عین اللهی، وزیر بهداشت جمهوری اسلامی روز ۸ بهمن ۱۴۰۰ با اعتراف به اینکه "عملا وارد پیک ششم شده ایم"، گفت: "توصیه اکید و حتی خواهش ما رعایت همان راهکارهای ساده اما مهم و حیاتی است. استفاده صحیح از ماسک، رعایت شیوه نامه های بهداشتی و تزریق واکسن به ویژه دوز سوم است." روشن است، صدور اینگونه دستورالعمل های کاغذی وزیر بهداشت آنهم در شرایطی که پیک ششم کرونا تمام کشور را فرا گرفته است، برای مردم ایران نه تزریق واکسیناسیون کامل می شود و نه آنان را در گستره ای همگانی در مقابل ابتلا و مرگ و میر ناشی از اومیکرون مصون خواهد داشت.

همزمان با اعتراف عین اللهی، وزارت بهداشت نیز وارد میدان شد و با توجه به گستردگی شیوع اومیکرون در روز هشتم بهمن اعلام کرد، در شبانه روز گذشته ۱۶ هزار و ۷۵۷ مبتلای جدید به کرونا در ایران شناسایی شده که نسبت به روز گذشته بیش از دو هزار نفر افزایش را نشان می دهد و ۲۳ نفر نیز جان خود را از دست داده اند. وزارت بهداشت در همان روز، وضعیت ۷ شهر را قرمز، ۴۳ شهر را نارنجی، ۲۱۷ شهر را زرد و ۱۸۱ شهر را در وضعیت آبی اعلام کرد. خبر آنلاین نیز در همین روز طی گزارشی با اعلام اینکه شهرستان های کاشان، فردوس، قم، ابرکوه، اردکان، خاتم و مهریز به وضعیت قرمز یعنی بالاترین حد بستری به کرونا رسیده اند، نوشت: "بر اساس تجربه سایر کشورها و به خاطر سرعت شیوع اومیکرون، در صورت عدم تعطیلی شهرهایی که وضعیت قرمز دارند، احتمال افزایش انفجاری بستری شدگان بسیار جدی است."

به رغم شروع پیک ششم کرونا و همگانی شدن آن در کشور و به رغم هشدارهایی که در مورد سرعت انتقال این ویروس داده شده بود، کابینه رئیسی اما همانند کابینه حسن روحانی، قرنطینه شهرهای قرمز را به هیچ گرفت و مدارس نیز در شهرهای قرمز تعطیل نشد. لذا، در عرض کمتر از یک هفته تا روز پنجشنبه ۱۴ بهمن، تعداد شهرهای قرمز از ۷ شهر به ۷۷ شهر رسید، نارنجی به ۱۷۹ و زرد نیز به ۱۸۱ شهر تغییر یافت و از ۱۸۱ شهری که در هشتم بهمن آبی بودند، تنها ۱۱ شهر در وضعیت آبی باقی ماند. طبق آخرین گزارش وزارت بهداشت در روز یکشنبه ۱۷ بهمن، ۱۲۰ شهر در وضعیت قرمز، ۱۵۳ شهر در وضعیت نارنجی، ۱۶۷ شهر در وضعیت زرد و تنها ۸ شهر در وضعیت آبی قرار دارند. در همین روز تعداد کشته شدگان کرونا نیز به ۸۵ نفر افزایش یافته است. در واقع، غافل گیری دولت در مواجهه با

## در آستانه یک انقلاب نوین

سازد. طبقه کارگر در تحقق فوری‌ترین مطالبات عموم توده‌های زحمتکش، پیگیرترین نیروی اجتماعی است، چراکه هدفش بسیار فراتر از محدوده‌های نظم سرمایه‌داری است و برای برپایی یک نظم سوسیالیستی مبارزه می‌کند که در آن، انسان‌های آزاد و برابر در رفاه و خوشبختی زندگی کنند. طبقه کارگر نه تنها به‌فوری تمام مطالبات، رفاهی، اجتماعی توده‌های مردم ایران را عملی خواهد ساخت، بلکه آزادی‌های سیاسی را در کامل‌ترین و گسترده‌ترین شکل آن برپا خواهد ساخت و عالی‌ترین شکل دموکراسی را مستقر خواهد ساخت. طبقه کارگر خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی و درهم شکستن و برچیدن تمام دستگاه بوروکراتیک- نظامی دولت سرکوبگر و ستمگر و استقرار یک دولت شورایی است. این دولت با برپایی یک دموکراسی شورایی، توده‌های مردم را بر سرنوشت خود حاکم خواهد ساخت. در این دموکراسی دین و دولت کاملاً از یکدیگر جدا می‌شوند، دیگر هیچ مقام و منصب انتصابی وجود نخواهد داشت. تمام ارگان‌ها و نهادهای دموکراسی شورایی از بالاترین تا پایین‌ترین سطوح آن انتخابی است. مردم از طریق شوراهای در محل کار و زندگی، نمایندگان خود را برمی‌گزینند. آن‌ها از این قدرت برخوردارند که هر لحظه اراده کردند، نماینده خود را عزل و نماینده دیگری را به‌جای آن انتخاب نمایند. در دموکراسی شورایی که بوروکراسی برچیده شده است، قانون‌گذار خود مجری قانون خواهد بود. دیگر مقامات دولتی از امتیازات ویژه‌ای برخوردار نخواهند بود و حقوق‌های کلان دریافت نخواهند کرد. هیچ مقام و صاحب‌منصبی بیش از متوسط حقوق کارگران ماهر دریافت نخواهد کرد. دیگر نیروی سرکوبگر نظامی جدا از مردم وجود نخواهد داشت، توده‌های مسلح تحت اتوریته شوراهای انقلاب و دست‌آوردهای انقلابی خود پاسداری می‌کنند. در دموکراسی شورایی، دستگاه ستمگر قضائی موجود نیز منحل خواهد شد و دیگر قضات مادام‌العمر نخواهد داشت، قضات نیز توسط مردم انتخاب می‌شوند و قابل عزل خواهند بود. بالاترین ارگان تصمیم‌گیرنده کشور کنگره سراسری شوراهای نمایندگان منتخب مردم خواهد بود. این است عالی‌ترین دموکراسی که طبقه کارگر رسالت برپایی آن را بر عهده دارد. تنها این دموکراسی است که می‌تواند حاکمیت کارگران و زحمتکشان را بر سرنوشت خود تأمین و تضمین نماید، آزادی و رفاه برای مردم ایران به ارمغان آورد و برای همیشه مردم ایران را از شر ستمگران رها سازد.

## بی مسئولیتی نسبت به جان مردم، پیک ششم را به ارمغان آورد

ناتوانی و بی مسئولیتی وزارت بهداشت اما صرفاً در بیان همین جملات عین‌اللهی باقی نماند و با دستور این وزارتخانه از روز شنبه ۱۶ بهمن اعلام رنگ بندی شهرها نیز در "اپلیکیشن ماسک" متوقف شد. اپلیکیشن ماسک، علت این امر را توقف اطلاع رسانی از سوی وزارت بهداشت اعلام کرده است. در واقع اوضاع رنگ بندی در کشور به لحاظ گستره شهرهای قرمز آنچنان حاد شده است که وزارت بهداشت برای سرپوش نهادن بر ناتوانی خود و ناتوانی کل هیئت حاکمه چاره را در بی خبر نگه داشتن توده های مردم ایران دیده است. شرایط وخامت باری که اکنون با شیوع پیک ششم کرونا در کشور حاکم است، یک بار دیگر نشان داد که در جمهوری اسلامی مستثنی از اینکه چه کسی رئیس جمهور و کدام کابینه بر مسند قدرت اجرایی باشد، اوضاع برای توده های مردم ایران همواره با درد و رنج و مرگ و میر همراه است. با آمدن و رفتن این یا آن کابینه، این یا آن مجلس، این یا آن رئیس دستگاه قضایی، نه تنها بهبودی در اوضاع کارگران و عموم توده های مردم ایران رخ نخواهد داد، بلکه با استمرار جمهوری اسلامی و با گذشت هر روز، شرایط از جمیع جهات برای مردم ایران باز هم وخیم و وخیم تر خواهد شد. لذا با توجه به ورشکستگی دولت و اعلام آشکار ناتوانی جمهوری اسلامی در پاسخگویی به کمترین مطالبات جامعه که این روزها از زبان مسئولان حکومتی شنیده می شود، تکلیف برای همگان بویژه کارگران و زحمتکشان روشن است. چنین حکومت ظالمانه‌ای باید سرنگون شود. حکومتی که در مقابل تمامی آحاد جامعه ایستاده است، حکومتی که شلاق جور و ستم و بیداد او بر گرده عموم مردم ایران نشسته است، حکومتی که طی دو سال گذشته نزدیک به ۴۰۰ هزار نفر از مردم ایران را به مسلخ کرونا برده است و اکنون نیز در مواجهه با پیک ششم کرونا، تنها نظاره گر درد و رنج کودکان است و با بی تفاوتی به تماشای مرگ و میر مردم ایران نشسته است، چنین حکومتی را باید به زیاله دانی تاریخ فرستاد. بدون هیچ تردیدی، چنین حکومت مستبد و ظالمانه ای باید با نیروی عظیم کارگران و معلمان و بازنشستگان، زنان و بیکاران و حاشیه نشینان، جوانان و دانشجویان و نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران و دیگر آحاد جامعه سرنگون شود. چنین حکومتی را که برای جان و سلامت مردم کمترین ارزشی قائل نیست، باید از طریق برپایی یک انقلاب اجتماعی، سازماندهی یک اعصاب عمومی سیاسی و در نهایت با قیام مسلحانه توده ای برانداخت و بر ویرانه های آن، حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان را بنا نهاد.

اومیکرون، ناشی از تعلق عمدی هیئت حاکمه ایران به خاطر تمهیدات برگزاری بی درد و سر مراسم دهه فجر و ایام ۲۲ بهمن جاری بود، که باز هم همانند دو سال پیش دودش به چشم مردم ایران رفت. با این تفاوت که اینبار بیش از همه این کودکان هستند که در معرض آسیب های ویروس اومیکرون قرار دارند. تا جایی که علیرضا زالی، فرمانده ستاد مقابله با کرونای شهر تهران روز پنجشنبه ۱۵ بهمن اعلام کرد: "به دلیل درگیری بیشتر اطفال با بیماری اومیکرون، بحث کمبود انواع تخت های اطفال یکی از مسائل پیش رو در موج ششم خواهد بود." زالی همچنین اعلام کرد، که به بخش های اورژانس کودکان نیز جهت آمادگی برای پذیرش کودکان مبتلا به سویه اومیکرون کووید ۱۹ اعلام آماده باش داده است. دو روز بعد از اعلام هشدار علیرضا زالی، فرهاد چوبدار رئیس بیمارستان علی اصغر تهران نیز گفت: این مرکز ممکن است با کمبود تخت مواجه شود. چرا که در روزهای گذشته کودکان بسیاری در مهد کودک ها و پیش دبستان به کرونا مبتلا شده اند. با گسترش موج ششم کرونا، اینبار نیز علاوه بر بی کفایتی دولت جمهوری اسلامی، بی مسئولیتی وزارت بهداشت، ناتوانی ستاد ملی مقابله با کرونا نیز همانند دوران حسن روحانی یکی پس از دیگری آشکار شدند. نظر به خستگی کادر درمانی و ناراضیاتی آنان از اضافه کاری هایی که در پیک های گذشته انجام داده اند و تا کنون پولی دریافت نکرده اند، نظر به سرعت سرایت اومیکرون که به شدت بالاست و در هفته های آینده آمار مبتلایان روزانه چه بسا سه رقی خواهد شد، از هم اکنون این واقعیت پیش چشم همگان است که با شروع پیک ششم کرونا، شرایط بهداشتی و درمان برای توده های مردم ایران نسبت به پیک های قبلی باز هم بدتر و وخیم تر خواهد بود. در وضعیت موجود که شکست و ناتوانی سراسر حاکمیت را فرا گرفته است، بهرام عین‌اللهی، وزیر بهداشت کنونی به سبک و سیاق سعید نمکی، وزیر بهداشت قبلی، شانه های خود را بالا انداخته و با کله مندی از تصویب نشدن پیشنهادهای خود در ستاد ملی مقابله با کرونا که ریاست آن با ابراهیم رئیسی است، از هم اکنون خود را از مسئولیت پذیری در مقابل فجایع پیش رو کنار کشیده است. او روز چهارشنبه ۱۳ بهمن گفت: "مرتب پیشنهادهای را با توجه به شرایط گرفتاری به ستاد ملی کرونا می دهیم، ولی یک بخشی مصوب می شود و یک بخشی مصوب نمی شود." عین‌اللهی در ادامه انتقادهای خود از شرایط موجود گفت: "وقتی وضعیت به پیک برسد قرنطینه هوشمند دیگر ارزشی ندارد و باید محدودیت کامل ایجاد شود."

## زنده باد سوسیالیسم

**پيام فعالين و هواداران سازمان فدائيان (اقليت) - داخل کشور  
به مناسبت پنجاه و يکمين سالگرد نبرد حماسی سپاهکل**

## **آفتاب کاران سپاهکل در تاريخ ماندگارند**

پنجاهويک سال از نبرد حماسی سپاهکل و جانفشانی رفقایي که آگاهانه و عاشقانه، جانهای شيفته خود را وثيقه آرمانهای سوسيالیستی و آزادیخواهانه خویش ساختند گذشت. رفقایي که در آسمان تيرموتار و یاس آلود سیاسی آن سالها چون خورشید درخشیدند، در تمام پهنه کشور پرتوافشانی کردند، نام خود و حماسه سپاهکل را جاودانه ساختند و در تاریخ ماندگار شدند.

پنجاه و یکمین سالگرد حمله مسلحانه رفقای ما در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹ به پاسگاه سپاهکل در حالی فرارسیده است که رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی با وخیمترین و عمیقترین بحرانهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی دوران حیات خود روبروست. کارگران و عموم تودههای زحمتکش تحت حاکمیت رژیم ارتجاعی و ستمگر جمهوری اسلامی که بیش از ۴۳ سال زیر بار شدیدترین فشارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفتهاند، از شدت اختناق و ستم و سرکوب و استثمار به تنگ آمدهاند. فشارهای سنگین اقتصادی و معیشتی، تورم فزاینده و گرانی روزافزون، کارد را به استخوان مردم رسانده و آنان را به ستوه آورده است. خواستهای کارگران، معلمان، بازنشستگان و دیگر اقشار زحمتکش بیپاسخماندهاند. سرکوب و ارباب، یگانه پاسخ حکومت به خواستها و نیازهای مردم نیز از کارایی افتاده است. کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و کادر درمانی و سایر زحمتکشان در ابعادی وسیع و گسترده به پا خاستهاند و با شعارها و اشکال تعرضی و رادیکال مبارزه، به مصاف و رودررویی با رژیم جمهوری اسلامی روی آوردهاند. گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات خیابانی توده‌ای، ارتجاع حاکم را شدیداً به وحشت انداخته و خواب را از چشم سردمداران نظم حاکم ربوده است.

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران

چهلوسه سال حاکمیت ارتجاع اسلامی نشان داده است که این رژیم در هیچ زمینه‌ای به فکر مردم نیست. طبقه ارتجاعی و ستمگر حاکم که سرنوشت مردم را در دست گرفته است جز به استثمار و غارت و چپاول بیشتر و بقای خود به چیز دیگری نمی‌اندیشد. برای طبقه حاکم و دولت این طبقه، مهم نیست که کارگران و زحمتکشان در فقر و تنگدستی غوطه‌ورند، میلیون‌ها نفر بیکار و گرسنه‌اند و هیچ امیدی به آینده خود ندارند. بدین‌سان کارنامه سیاه رژیم حاکم در این ۴۳ سال جز قتل و جنایت و کشتار و زندان، چیز دیگری نبوده و نیست. ما کارگران و معلمان و بازنشستگان و دیگر اقشار زحمتکش جامعه به تجربه آموخته‌ایم که هرچقدر بر عمر نکبت‌بار جمهوری اسلامی افزوده شود وضعیت معیشتی ما بدتر و وخیم‌تر خواهد شد. مادام که از اریکه قدرت به زیر نکشیم مرتجعین حاکم به ظلم و ستم و استثمار و قتل و جنایت ادامه خواهند داد. لذا راه دیگری در برابر ما مانده است جز آنکه باهم متحد شویم و رژیم مرتجع حاکم و تمام نظم موجود را براندازیم و حکومت شورایی را مستقر سازیم.

کارگران، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور، در پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سپاهکل یاد رفقای سپاهکل و بنیان‌گذاران سازمان و تمامی فدائیان را که در این سالها درنبرد با رژیمهای ارتجاعی و ستمگر سلطنتی و جمهوری اسلامی و در راه اهداف و آرمانهای سوسيالیستی و آزادیخواهانه طبقه کارگر جان‌باخته‌اند گرمای می‌داریم و بار دیگر بر عزم و اراده استوار خود به ادامه مبارزه برای پیروزی طبقه کارگر، استقرار نظام شورایی و سوسيالیسم تأکید می‌ورزیم.

**گرامی باد ۱۹ بهمن سالگرد نبرد حماسی سپاهکل**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**زنده‌باد آزادی، زنده‌باد سوسيالیسم**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

**۱۴۰۰ بهمن**

**فعالین و هواداران سازمان فدائیان (اقلیت) - داخل کشور**



## **بازداشت و تهدید معلمان را محکوم و از خواست‌هایشان حمایت می‌کنیم**

در ادامه دو روز اعتصاب و تحصن سراسری ده‌ها هزار تن از فرهنگیان در بیش از ۳۰۰ شهر و منطقه و روستا و بی‌توجهی دولت به خواست‌هایشان، امروز دوشنبه یازده بهمن مطابق فراخوان و هشدار قبلی، معلمان با برپایی تجمعات اعتراضی گسترده خواهان رسیدگی به مطالبات خود شدند. علی‌رغم احضارهای گسترده و تهدید و فشار دستگاه سرکوب امنیتی برای جلوگیری از تجمعات اعتراضی اما معلمان زحمتکش شاغل و بازنشستگان فرهنگی که کارد به استخوان‌شان رسیده، بیمی به خود راه نداده و در اعتراض به عدم اجرای طرح رتبه‌بندی و طرح همسان‌سازی، در سراسر کشور به پا خاسته و تجمعات باشکوهی را برگزار نمودند.

تلاش مذبحخانه نیروهای سرکوب در ساعات اولیه صبح امروز در برخی از شهرها از جمله در شیراز و تهران برای جلوگیری از برگزاری تجمع باشکست روبرو شد. برخی تجمعات مورد یورش نیروهای سرکوب قرار گرفت و شماری از معلمان نیز بازداشت شدند. مطابق خبرهای انتشاریافته توسط شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران، صبح امروز قیل از شروع تجمع، جبار دوستی عضو انجمن صنفی معلمان کردستان- مریوان دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شد. در شیراز نیز قهرمان حاتمی از معلمان شرکت‌کننده در تجمع و مجدعی زحمتکش، بازرس انجمن صنفی فرهنگیان استان فارس توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند که مطابق آخرین خبرها آزاد شده‌اند. در تهران احمد حیدری یکی از معلمان شرکت‌کننده در تجمع امروز که در مقابل مجلس سخنرانی و از حقوق معلمان دفاع کرده بود و همچنین دو معلم دیگر به نام‌های احمدی و داودی نیز توسط نیروهای سرکوب (لباس شخصی) بازداشت شدند.

افزون بر این بازداشت‌ها، بسیاری از معلمان و اعضای تشکلهای مستقل آن‌ها تحت پیگردهای امنیتی و قضایی قرار دارند و منادم به مراکز امنیتی احضار شده و مورد بازجویی و تهدید قرار گرفته و به حبس محکوم شده‌اند. صبح امروز شعبه چهارم دادگاه انقلاب کرج، حکم چهار سال و شش ماه حبس تعزیری را به جعفر ابراهیمی از فعالان و بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ابلاغ کرد.

ارتجاع حاکم بر این خیال است که با احضار و بازداشت و زندان و تشدید سرکوب می‌تواند معلمان را از ادامه مبارزه بازدارد. اما این خیال عیثی بیش نیست. معلمان زحمتکش و مبارز را با زور و تهدید نمی‌توان خاموش ساخت و از ادامه مبارزه بازداشت. گسترش بیش از پیش این مبارزات و انسجام روزافزون معلمان و اعتراضات آن‌ها نیز این موضوع را به اثبات رسانده است. تجمعات امروز فرهنگیان که در بیش از ۱۲۰ شهر و روستا برگزار شد، هم به لحاظ شمار شرکت‌کنندگان و هم از نظر تعداد شهرهای مشارکت‌کننده بی‌نظیر بود و مرزهای تجمعات پیشین را نیز پشت سر گذاشت. پیکار معلمان را سر بازایستادن نیست و نمی‌توان جلو آن را گرفت. سازمان فدائیان (اقلیت) از مبارزات و خواست‌های معلمان قویاً حمایت می‌کند و خواهان تحقق فوری تمام مطالبات معلمان است.

سازمان فدائیان (اقلیت) هرگونه پرونده‌سازی و پیگرد امنیتی و قضایی علیه فعالان تشکلهای مستقل معلمان را محکوم می‌کند.

سازمان فدائیان (اقلیت) بازداشت و حبس معلمان و هرگونه اعمال زور و تهدید علیه آن‌ها را محکوم می‌کند و خواهان آزادی فوری و بی‌قیدوشرط معلمان بازداشت‌شده و زندانی است.

**هرچه گسترده‌تر باد اتحاد و همبستگی معلمان**

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده باد آزادی - زنده باد سوسيالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۱۱ بهمن ۱۴۰۰**

**کار، نان، آزادی - حکومت شورایی**

## کمک های مالی

### سوئیس

۳۰ فرانک	علی اکبر صفایی فراهانی
۴۰ فرانک	سیامک اسدیان (اسکندر)
۳۰ فرانک	حمید اشرف
۵۰ فرانک	محمد کاسهچی
۵۰ فرانک	امیر نبوی

### دانمارک

۲۰۰ کرون	هوشنگ احمدی
۲۰۰ کرون	دکتر نریمسا
۲۰۰ کرون	خروش (فوریه)
۲۰۰ کرون	خروش (فوریه)

### آمریکا

۲۰ دلار	لس آنجلس
---------	----------

۲۰ دلار	شیکاگو
۲۰ دلار	اکلاهوما سیتی
۲۰ دلار	نیویورک
۲۰ دلار	سیاتل

### ایران

۱ میلیون تومان	آبان ادامه دارد
----------------	-----------------

### هلند

۵۰۰ یورو	صمد حسین زهی
----------	--------------

### آلمان

از سلطانپور تا بکتاش، سرنگون جمهوری اسلامی!	۱۰۰ یورو
--	----------

## پیام هسته امیر پرویز پویان

### به مناسبت پنجاه و یکمین سال یاد نبرد حماسی سیاهکل در ۱۹ بهمن ۱۳۴۹

### گرامی باد پنجاه و یکمین سال یاد نبرد حماسی سیاهکل

بیش از نیمقرن از حماسه سیاهکل می‌گذرد. گرامی داشت مبارزانی از والاترین انسان‌ها که آگاهانه آغوش بر مرگ گشودند تا زندگی بسازند و زندگی از آنان برای نسل ما به زایش درآید، نقطه‌ی عطفی که هنوز هم طلیعه‌اش بر جنبش کمونیستی ایران می‌تابد. آنان دل به دریا افکنانی بودند که زندگی شایسته انسان را با جان‌فشانی خود فدا کردند و با آتشی که به پا داشتند بر ستم و ستمگر زمانه خود شوریدند تا روشنگر باشند و راه را برای ما بگشایند.

آن رفقای جان‌فشان از مرگ نهراسیدند، در برابر جهل و سرکوب و سرمای جان‌سوز وقت ایستادند، تا سکوت و سکون و خموشی را برهم زنند. رزمندگانی که در دل شب تار، چراغ برافروختند و جان شیریشان را وثیقه آرمان‌های والای انسانی و کارگری ساختند. زیستن بزرگوارشان کوتاه بود اما نقششان ماندگار. گوزن‌های عاشقی که شعله‌ی خشمشان در جنگل‌های سیاهکل، آتش کاخ ستمگران زمانه گشت و گرمای اجاق رنج‌دیدگان زمان؛ آری می‌خوانیم، می‌سراییم و می‌رزمیم تا نشان دهیم یاد و اندیشه‌های سرخشان روشنی‌بخش مبارزات بی‌امان ماست حتی در این روزهای پردرد و رنج.

باوجودآنکه بیش از نیمقرن از برافراشته شدن پرچم مبارزه مسلحانه علیه رژیم سلطنتی و دشمنان طبقه کارگر و زحمتکش در جنگل‌های سرد و تاریک سیاهکل می‌گذرد، اما حماسه‌ی سیاهکل کماکان زنده و محبوب قلب‌ها است و پیکار آشتی‌ناپذیر و قهرآمیزش علیه مرتجعین، سرمایه‌داران و استثمارگران کماکان پاس داشته می‌شود. سازمان فدائیان(اقلیت) ادامه‌دهنده راستین آن سنت‌های انقلابی و کمونیستی و آرمان‌های سوسیالیستی و آزادی‌خواهانه سیاهکل بوده است. فدائیان اقلیت با مبارزه پیگیر و آشتی‌ناپذیر خود علیه نظم موجود و برای تحقق شعار کار، نان، آزادی، حکومت شورایی و استقرار سوسیالیسم، آرمان‌های سیاهکل را پی گرفته‌اند.

پنجاه و یکمین سالگرد حماسه سیاهکل را در شرایطی گرامی می‌داریم که رژیم فاسد و پوسیده‌ی جمهوری اسلامی در انواع بحران‌ها دست‌وپا می‌زند. سیاست‌های ضد انسانی و باتلاق سیاست‌های نئو لیبرالسم رژیم حاکم، زندگی میلیون‌ها کارگر، زحمتکش و عموم تهیستان و بی‌چیزان جامعه را به تباهی کشانده است. گرانی سرسام‌آور، بیکاری فزاینده و گسترده شدن هرچه بیشتر فقر، گرسنگی، نداری و حتی بیماری، مردم زحمتکش را به ستوه آورده است. در این دوره که ما مبارزان مشخصاً دوران پساکرونا را تجربه می‌کنیم رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی کماکان کمترین اهمیتی برای جان و مال و زندگی توده‌های زحمتکش مردم ایران قائل نیست. هرگونه صدای حق‌طلبی را با زندان و سرکوب پاسخ می‌دهد. در مقابل اعتصابات و مبارزات رو به گسترش جنبش کارگری و سایر جنبش‌های اجتماعی که ابعاد گسترده و سراسری به خود گرفته‌اند، به حربه سرکوب و دستگاه امنیتی و پلیسی‌اش متوسل می‌شود. فعالین و پیشروان عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی را بازداشت و زندانی می‌کند. این در حالی است که هیچ راه‌حلی برای رفع معضلات و مشکلات و دردهای فزاینده جامعه ندارد.

علی‌رغم این سرکوب‌ها و فشارها، کارگران، معلمان، بازنشستگان و سایر اقشار زحمتکش مردم به مبارزه ادامه می‌دهند و فضای سیاسی جامعه نیز روزبه‌روز به مرحله انفجار نهایی نزدیکتر می‌شود. رژیم ارتجاعی که سرتاپای آن را بحران و فساد فراگرفته در بن‌بست و منجلاب دست‌وپا می‌زند، راهی برای برون‌رفت از آن پیدا نمی‌کند و هرلحظه به مرگ نزدیک تر می‌شود. تمام شواهد و امان‌های موجود این را نشان می‌دهند که عمر این رژیم به سر آمده و ارتجاع حاکم نفس‌های آخر خود را می‌کشد. زمستان رفتنی است و این، نویدبخش روزهای خوش بهاری است.

پنجاه و یکمین یادمان نبرد شورانگیز سیاهکل در زمستان ۴۹ و سال یاد بنیان‌گذاری سازمان را به‌تمامی رفا؛ کادرها، اعضا و هواداران سازمان تبریک می‌گوییم و بادی آکنده از آرمان‌ها و سنت‌های انقلابی و کمونیستی فدائی و همپیمان با شما بار دیگر یادآور می‌شویم که در مبارزه برای آزادی و رهایی و برای تحقق آرمان‌های سرخ سیاهکل تا پای جان ایستاده‌ایم.

ما فعالین و هواداران سازمان فدائیان(اقلیت) متشکل در هسته امیر پرویز پویان با هر بهار جوانمزه‌ایم و با شما وعده بهاری تازه از عشق و نیک بختی انسان‌ها را نوید می‌دهیم. مبارزات شما رفا، مبارزه‌ی ماست و دل گرمی شما دل گرمی دل‌های ما.

برای همه رفا و مبارزات خستگی‌ناپذیر سازمان فدائیان(اقلیت) در راه تحقق آرمان‌های کمونیستی آرزوی پیروزی داریم.

**گرامی باد پنجاه و یکمین سال یاد نبرد حماسی سیاهکل**  
**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**  
**زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم**  
**برافراشته باد پرچم پرافتخار سرخگون فدائی**  
**بهمن ۱۴۰۰**  
**هسته امیر پرویز پویان**





## دل قوی دار، سحر نزدیک است

چاه ویل جمهوری اسلامی که با گسترش منازعات منطقه‌ای پُرناشدنی‌تر از همیشه شده است، حاکمان سیعیوش را برای دست کردن در جیب کارگران و زحمتکشان بد عادت کرده است.

هر بار به نحوی دست در جیب می‌شوند اما نه در جیب گُشاد خود که در جیب کارگران و زحمتکشان. از کسی که تنها ۵ میلیون تومان حقوق می‌گیرد و به نان شب محتاج است، مالیات بر حقوق (مستقیم) می‌گیرند. مالیات غیرمستقیم و عوارض گمرکی را افزایش می‌دهند، ارزش ترجیحی دارو و نهاده‌های دامی را قطع می‌کنند تا پول به چاه ویل بریزند، پول‌هایی که در نهایت از سفره‌های محقر کارگران و زحمتکشان ربوده می‌شود و این را همگان می‌دانند. اما کافی‌ست سرمایه‌داران و شرکای قدرت معترض شوند، آن‌گاه در یک چشم برهم زدن قیمت گاز پتروشیمی‌ها، کارخانه‌های فولاد و سیمان به قیمت سال قبل برمی‌گردد. ارزش ترجیحی دارو که به سلامت مردم مربوط است حذف می‌شود اما ۹۰ هزار میلیارد تومان درآمد حاصل از افزایش قیمت گاز پتروشیمی‌ها، فولادی‌ها و سیمان به خواست سرمایه‌داران نادیده گرفته می‌شود! جمهوری اسلامی حراج کرده است، حراج است: گاز پتروشیمی‌ها، جان مردم. ۲۴ میلیون فاقد بیمه از تامین هزینه‌های سرسام‌آور درمانی محروم بودند و اکنون نوبت بیمه‌شدگان است که آن‌ها نیز از دارو و درمان محروم شوند.

این جمهوری اسلامی است، دولتی که هر روز یک سیاست در پیش می‌گیرد، دولتی که در برابر بحران عمیق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی درمانده است، دولتی که موجودیت خود را به شب گره زده است. زندان‌ها هر روز پُرتر می‌شوند، گرانی و تورم جولان می‌دهند، فقر بیداد می‌کند، بیکاری ویران می‌کند و حاشیه‌نشینان در اوج محرومیت. همه چیز در حال از کار افتادن است، آب، برق، گاز، سیستم آموزشی، سیستم درمانی، حتا هوایی برای نفس کشیدن نمانده است، همه چیز! آیا دیگر جایی و یا چیزی مانده که جمهوری اسلامی ویران نکرده باشد؟! جمهوری اسلامی و قدرتمداران دزد و فاسد آن تنها ویران کرده‌اند و هر چه بود به تاراج برده‌اند، از ترکیه تا کانادا، از مالزی تا بهشت‌های مالیاتی. این جمهوری اسلامی است، دولتی که به شب آویخته. دولتی در حال احتضار.

من شکوفایی گل‌های امیدم را در رویاها

می‌بینم،

و ندایی که به من می‌گوید

گرچه شب تاریک است

دل قوی‌دار، سحر نزدیک است

(شعری از حمید مصدق)

کارگران و زحمتکشان و بی‌اعتنایی به خواست‌هایشان، اسم رمز بی‌اعتنایی به همسان‌سازی، اسم رمز بی‌اعتنایی به رتبه‌بندی، اسم رمز بی‌اعتنایی به حقوق و دستمزد متناسب با هزینه‌های یک خانوار، اسم رمز کاهش قدرت خرید کارگران و زحمتکشان و گسترش فقر. بودجه‌ای که برای سرمایه‌داران و دستگاه‌های سرکوب همچون سپاه پاسداران با افزایش بیش از ۱۴۰ درصدی هیچ انقباضی ندارد و دعوای‌شان تنها برای سهم‌بری هر چه بیشتر است. تورم می‌تازد، بودجه ۱۴۰۱ بدتر از بودجه ۱۴۰۰.

بیکاری ویران می‌کند، بیکاری بیداد می‌کند، دانش‌آموزان به جای کلاس درس، کولبری و سوختبری می‌کنند و کسی از مجلس و کابینه نمی‌پرسد چرا؟! موضوع ذهنی هیچ فردی در این حکومت فاسدان و سرمایه‌داران این نیست که آموزش حق کودکان است، هیچ کدامشان نمی‌گویند بیکاران مادام که بیکارند باید حقوق بیکاری بگیرند. چرا که جمهوری اسلامی است، حکومت سرمایه‌داران.

دیگر خسته شده‌ایم، سال از پی سال فقیرتر می‌شویم. کارد به استخوان رسیده است و همه چیز حکایت از آن دارد که فردا، هفته‌ی آینده، ماه آینده و سال آینده بدتر از امروز خواهد بود. فریاد، فریاد از این همه بیداد. و بالاخره خیابان‌ها مملو از انسان‌هایی می‌شوند که دیگر نمی‌خواهند این وضعیت را تحمل کنند، دیگر حاضر به تن دادن به این زندگی نکبت‌بار نیستند. فریادها بلندتر و بلندتر می‌شوند و از گرمای‌شان، گل‌های فردا از درون خاک یخ‌زده سر برون می‌آورند. با وقاحت می‌گویند در لایحه بودجه ۱۴۰۱ حداقل حقوق ۲۵ درصد افزایش یافته و به ۴ میلیون و پانصد هزار تومان رسیده است!! اما نمی‌گویند که با ۴ میلیون و پانصد هزار تومان دیگر حتا یک اتاق نیز در تهران نمی‌توان اجاره کرد!! هزینه‌های درمان، هزینه‌های مدرسه و دانشگاه، هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های بهداشتی، مسکن، و بالاخره هزینه‌های خوراکی، یعنی همه‌ی آن حداقل‌ها به گفته‌ی برخی از تشکل‌های مستقل کارگری، معلمان و بازنشستگان به ۱۶ میلیون رسیده، یعنی حداقل حقوق سال آینده تنها ۲۵ درصد این حداقل‌ها را پوشش می‌دهد و مردم می‌مانند که با ۷۵ درصد بقیه چه کنند؟! و البته که این فقط حداقل‌های کاملاً ضروری‌ست و نه تمامی نیازهای واقعی انسان برای زندگی در رفاه و آسایش. یعنی فقط در حد زنده ماندن و نه زندگی کردن.

در این مدت اعلام می‌کند. دیوار حاشا بلند است و دزدان و فاسدان حاکم را هیچ شرمی نیست.

در شهریور ۹۶ بهای همین سببزمینی ۱۶۰۰ تومان بود، اول دی‌ماه "تجارت نیوز" گزارش داد که قیمت سببزمینی افزایش پیدا کرده و از ۳ هزار تومان به ۹ هزار تومان رسیده است و اکنون که به نیمه بهمن رسیده‌ایم، مردم باید سببزمینی را کیلویی ۲۰ هزار تومان تهیه کنند که تازه به گفته‌ی اسماعیل مرادیان نایب رئیس "اتحادیه فروشندگان میوه و سبزی" سببزمینی ۲۰ هزار تومانی از کیفیت خوبی هم برخوردار نیست (خبرگزاری ایلنا)!

به گفته‌ی وی تنها طی یک هفته‌ی اخیر بهای سبزی و صیفی‌جات بین ۱۰ تا ۲۰ درصد افزایش یافته است. برنج نیز یکی دیگر از آن دسته مواد غذایی است که مانند گوشت و ماهی در حال رخت بر بستن از سفره‌های کارگران و زحمتکشان است. در حالی که در گزارش وزارت "صمت" هر کیلو برنج طارم اعلا و هاشمی درجه یک در آذرماه سال گذشته حدود ۳۳ هزار تومان اعلام شده بود، امروز به بالای ۹۰ هزار تومان رسیده است (همشهری آنلاین پنج‌شنبه ۱۴ بهمن).

در سند محرمانه‌ای که از یک جلسه "کارگروه پیشگیری از بحران‌های امنیتی معیشت پایه" در قرارگاه ثارالله در برخی از رسانه‌ها منتشر شد، نماینده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی می‌گوید: "به‌خاطر افزایش چشمگیر قیمت‌ها، گوشت، مرغ و حبوبات جای خود را به سویا داده و برنج داخلی و خارجی که بین ۱۳۳ تا ۲۲۲ درصد افزایش قیمت داشته، جای خود را در سفره مردم به ماکارونی داده است".

در مورد افزایش حقوق و دستمزد نیز (همان‌طور که در لایحه بودجه سال ۱۴۰۱ پیداست) جمهوری اسلامی بار دیگر تیغ بر صورت کارگران و زحمتکشان کشیده است. "افزایش حقوق" چه نام بی‌مسامحی‌ست برای کاهش واقعی و سالانه حقوق و قدرت خرید کارگران و زحمتکشان. سال از پی سال قدرت خرید کارگران و زحمتکشان کاهش می‌یابد و جمهوری اسلامی به جای پُر کردن شکاف بین دستمزدها و هزینه‌های یک خانوار برای زندگی در رفاه و آسایش، شکافی که امروز به دره‌ای عمیق می‌ماند، به سرکوب دستمزدی کارگران و زحمتکشان ادامه می‌دهد و با چه بهانه‌ی مضحکی: "افزایش حقوق به افزایش تورم می‌انجامد." بهانه‌ای که در قوطی هیچ عطاری پیدا نمی‌شود. همه‌ی این بهانه‌های مضحک تنها به این خاطر است که کارگران به‌مثابه‌ی یک طبقه در برابر طبقه سرمایه‌دار و دولت دست‌نشانده‌ی آن قد علم نکرده‌اند، و این به طبقه حاکم اجازه می‌دهد تا به‌عنوان طبقه‌ای متشکل هجوم مداوم خود به معیشت و زندگی کارگران غیرمتشکل را ادامه دهد.

به دروغ می‌گویند "برای مهار تورم، بودجه سال ۱۴۰۱ را انقباضی بستیم". اما همه می‌دانیم و می‌دانند که "بودجه انقباضی" تنها یک اسم رمز است، اسم رمز فشار اقتصادی بیشتر بر

**رژیم جمهوری اسلامی را باید  
با یک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام  
مسلحانه برانداخت**

## دل قوی دار، سحر نزدیک است

در این مدت دروغ‌گویی، نیرنگ و بیش از همیشه سرکوب تنها ابزارهای رژیم در برابر اعتراضات روزانه کارگران و زحمتکشان به حقوق از دست رفته خود بوده است. "کارد به استخوان رسیده است" این سخنیست که این روزها از زبان ستم‌دیدگان جامعه در هر کوی و برزن شنیده می‌شود. حتا مقامات رژیم نیز در پست‌های خود از شرایط انفجاری جامعه می‌گویند. برآستی که در این روزهای سخت زمستانی، مردم دیگر چیزی برای از دست دادن

ندارند. مردمی که در شهرهای سیستان و بلوچستان باید نان را قرصی ده هزار تومان تهیه کنند. ننگ بر این فریبکاران، مرگ بر این جنایتکاران.

سپیزمینی، محصولی که در همین کشور تولید می‌شود به کیلویی ۲۰ هزار تومان رسیده است و برنج ایرانی به کیلویی ۹۰ هزار تومان. آن‌گاه ابراهیم رئیسی با وقاحتی که هیچ مرزی نمی‌شناسد کنترل تورم را از اقدامات کابینه خود

در صفحه ۹

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در تویتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

t

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/karfadaianaghaliyat>

[kar.fadaianaghaliyat](http://kar.fadaianaghaliyat)

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 957 February 2022



[shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

تلویزیون دکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسان‌های زحمتکش، شریف و ستم دیده‌ای است که برای آزادی و سوسیالیسم پیکار می‌کنند

## اطلاعیه تلویزیون دموکراسی شورایی و آلترناتیو شورایی بینندگان تلویزیون دموکراسی شورایی، رفقا و همراهان

بدین‌وسیله به اطلاع شما می‌رسانیم که تلویزیون دموکراسی شورایی از تاریخ جمعه نهم مهرماه ۱۴۰۰ برابر با اول اکتبر ۲۰۲۱ کانال ماهواره‌ای ۲۴ ساعته تلویزیون آلترناتیو شورایی، کانال مشترک نیروهای چپ و کمونیست بر روی ماهواره یاه ست آغاز به کار خواهد کرد و تلویزیون دموکراسی شورایی به همراه تلویزیون‌های، برابری، پرتو و حزب کمونیست ایران/ کومله برنامه‌های خود را بر روی این کانال ماهواره‌ای پخش خواهد کرد. برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی را همچنین می‌توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه‌های اجتماعی فیس‌بوک و تلگرام و اینستاگرام و یوتیوب نیز دنبال کنید. از تاریخ نهم مهرماه برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی روزانه به مدت ۹۰ دقیقه خواهد بود و ساعات پخش برنامه‌های تلویزیون دموکراسی شورایی بدین قرار می‌باشد روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب به وقت ایران و در روزهای سه‌شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم عصر تا هشت شب به وقت ایران برنامه‌های خود را از ماهواره یاه ست پخش می‌کند. مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست؛ بدین قرار خواهد بود:

فرکانس 12594 - پولاریزاسیون ورتیکال یا عمودی - سمبول ریت 27500 - FEC: ۳/۲

مشخصات جدید تلویزیون دموکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید. مشخصات ماهواره‌ای شبکه تلویزیونی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل: [shora.tv@gmail.com](mailto:shora.tv@gmail.com)

شماره تلفن: ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

<https://fadaian-minority.org>, <https://tvshora.com>

فیس‌بوک: Shora shora, تلگرام: @tvshora

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی